

1. طرح مساله

مساله مهدویت از جمله مسایلی است که در روایات اسلامی تاکید بسیاری بر آن شده است. در بین روایات مربوط به ابعاد مساله مهدویت، روایاتی عهده دار تبیین «هدف قیام امام عصر»، ارواحنا فدا، می باشند که بطور کلی شاید بتوان این روایات را به دو دسته تقسیم کرد:

الف) روایاتی که هدف ظهور آن حضرت را «پر کردن جهان از عدل و داد» (یملأ الارض قسطا و عدلا) و امور مربوط به آن معرفی می کنند که برخی 123 روایت (1) و برخی دیگر 132 روایت (2) از مراجع شیعه و سنی در این باره شمرده اند.

ب) روایاتی که هدف ظهور آن حضرت را «انتقام خون اباعبدالله»، علیه السلام، یا انتقام پیامبران و... شمرده و آن حضرت را «الطالب بدم المقتول بکربلا» (3) و امثال آن معرفی می نماید. امام صادق، علیه السلام، در ذیل حدیث طولانی در وصف یاران آن حضرت آورده است «و شعار آنان اینست ای خونخواهان حسین!» (یا لثارات الحسین، علیه السلام) (4)

اکنون این سؤال مطرح است که هدف قیام آن عصاره هستی و یگانه عصر، کدام امر است؟ یکی از این دو، یا هر دو؟

آیا هدف آن بزرگوار اولاً برگزاری قسط و عدل جهانی و سپس انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت، علیهم السلام، است؟ یا یک هدف بیشتر ندارد؟ اگر چنین است آن یک هدف چیست؟ مدعا اینست که آن یگانه عصر در هدف هم یگانه است؛ هدف او یک چیز بیشتر نیست، آنهم انتقام خون امام حسین، علیه السلام، که خود عین برقراری قسط و عدل جهانی است!

2. مقدمه

اما بیان اینکه چگونه برقراری قسط و عدل جهانی همان انتقام خون حسین، علیه السلام، است و بالعکس، نیازمند به مقدماتی است که در ذیل می شمریم. (5)

1-2 برقراری قسط و عدل هدف زمینی ارسال رسل و انزال کتب

برقراری قسط و عدل هدف زمینی ارسال رسل و انزال کتب است که در پرتو آن کمالات انسانی هم به غایت خود خواهد رسید و انسان به کنه عبودیت و قرب ربوبیت نایل خواهد شد. پر واضح است برقراری قسط و عدل فقط در بعد اقتصادی یا سیاسی، اجتماعی و حتی آمیزه ای از ایندو و به تنهایی وجهه همت رسولان الهی نیست؛ اگر نگوییم چنین چیزی اصلاً امکان ظهور ندارد مگر بر پایه اعتدال اخلاقی و بینشی.

بر اساس عدالت اقتصادی و سیاسی گرچه تشکیل حکومت و برقراری قسط و عدل اقتصادی، سیاسی مورد توجه

پیامبران الهی بوده است، اما آنها توجه همه جانبه به عدل و قسط داشته و عدل جامع را طلب می کردند؛ یعنی هم مبعوث برای «اتمام مکارم اخلاق» بوده اند (عدل اخلاقی) و هم «قائم بالقسط» (عدل اقتصادی سیاسی).

2-2 اصالت اعتدال اخلاقی و رابطه آن با عدل اقتصادی، سیاسی

در اینکه رابطه تنگاتنگی بین اعتدال اخلاقی و عدل اقتصادی سیاسی هست، خیلی نیازمند استدلال نیستیم. واضح است اقامه قسط و عدل (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) از غیر عادل (ظالم) محال است، چرا که فاقد شئی نمی تواند معطی شئی باشد. برقراری قسط و عدل لازمه اش بودن اعتدال اخلاقی و بینشی در متولیان اقامه چنین چیزی است. و از آنسو نیز بر اساس اصل «من لا معاش له لامعاد له» (کسی که معاشش تامین نگردد، معادش نیز راست نیاید)، چگونه ممکن است در زیر یوغ «فرعونها» و «قارونها» که بر هم زندگان قسط و عدل «سیاسی» و «اقتصادی» اند، خیل مردم بتوانند به اعتدال اخلاقی برسند؟ روشن است که با «زور» و «زر» ظالمین مردم مستضعف به استثمار کشیده شده و به عبادت غیر خدا رو خواهند آورد و از اعتدال اخلاقی و بینشی روز به روز دورتر خواهند شد که تاریخ گواه بر این مدعاست و از همین رو مبارزه با فرعونها و قارونها از رؤوس برنامه مبارزاتی انبیا برای برقراری قسط و عدل همه جانبه بوده است.

اما سخن در این است که علی رغم این رابطه تنگاتنگ کدامیک اصل است؟ به فرموده شهید بهشتی، رحمة الله علیه:

در جامعه اسلامی زیربنای همه عدلها، عدل اخلاقی است و حتی عدل اقتصادی و عدل سیاسی به دلیل نقشی که در عدل اخلاقی دارد مورد توجه است. (6)

سر مطلب در این است که عدل اخلاقی بیش از سایر عدلها با اهداف عالی تر خلقت سنخیت دارد. توضیح اینکه هدف اصلی خلقت یعنی کنه عبودیت و رسیدن به قرب الهی مقدماتی دارد که البته به بیان شهید مطهری، رحمة الله علیه، مقدمات آلی (7) نیستند، بلکه دارای ارزش ذاتی اند. از این مقدمات می توان قسط و عدل اقتصادی، سیاسی و هم اخلاقی را نام برد که ارزش آنها بسته به در برداشتن میزانی از هدف عالی در آنهاست. برای مثال نسبت به هدف رسیدن به دانشگاه، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان مقدمات اند؛ اما تحصیلات ابتدایی گرچه چیزی نیست که پس از رسیدن به مرحله بالاتر دیگر بی ارزش شود و وجود و عدمش بالسویه گردد، بلکه عدم آن مرتبه بالاتر را از بین می برد (دقت شود) اما روشن است که به اندازه تحصیلات دبیرستان در بر دارنده معلومات دانشگاه نیست؛ از اینرو می توان گفت تحصیلات دبیرستان اصل است یا به تحصیلات دانشگاه نزدیکتر است. (8) در قسط و عدل هم سخن همینگونه است؛ گرچه برقراری قسط و عدل اقتصادی، سیاسی و اخلاقی همه مقدمه رسیدن به قرب الهی هستند اما چون قرب الهی بیش از عدل اقتصادی، سیاسی با اعتدال اخلاقی هم سنخ است، اعتدال اخلاقی در بین این سه، اصل به شمار آمده و آندو و به نوعی مقدمه (البته مقدمه با ارزش ذاتی نه آلی) برای آن می شوند و در مرتبه پایین تر قرار می گیرند.

نشانه این اولویت جایی نمود می یابد که به فرض اینها با یکدیگر معارض شوند که با این مبنا «اگر در مقطعی از زمان دیدیم که عدل اخلاقی را باید قربانی کنیم تا به عدل اجتماعی یا عدل اقتصادی برسیم حق نداریم اولویت را به عدل اقتصادی و اجتماعی بدهیم و عدل اخلاقی را قربانی کنیم. (9)

از اینرو نظام عدالت اقتصادی و سیاسی که مورد توجه مسلم اسلام هم می باشد، باید بر اساس مبانی عدل اخلاقی تنظیم شود و در چارچوب آن به رشد و اعتلا برسد و نه تنها حدود و ثغور آن را تضییع نکند که موجب

کمال و بالندگی آنهم گردد.

2-3 «قانون» و «الگو» لازمه رسیدن به عدل جامع

قانونی که بیانگر رابطه این ارکان با هم بوده و مناسبات بین اینها را برای نیل به هدف اعلی به شکل معتدل و کامل تنظیم نماید، همان شرایع آسمانی و در اسلام؛ کتاب و سنت یا به طور خلاصه «فقه مستند» ما است؛ اما فقط همین قانون کافی نیست در کنار انزال کتب، ارسال رسل - یعنی تجسم عینی قانون عدل جامع - هم لازم است تا بتوان آن را به اثبات رساند. اقامه قسط و عدل علاوه بر قانون جامع و فراگیر نیاز به قائم به قسط عادل هم دارد که همان مقام امامت است.

2-4 نظام اسلامی، نظام امامت عدل نه امام عادل

نظام اسلامی - یعنی نظامی که هدف این جهانی آن اقامه قسط و عدل همه جانبه است - نظامی است مبتنی بر امامت عدل نه امام عادل. بدین معنی که فقط با قرار گرفتن امام عادل در راس هرم قدرت نظام اسلامی تمام نمی شود، بلکه باید تمام مخروط قدرت از بالا تا پایین دارای سزاواری و شایستگی باشد و اصطلاحاً عنصر عدالت در همه سطوح حکومت ساری و جاری باشد. این نظام را نظام امامت عدل می گویند. (10) به طوری که وزیر و وکیل و استاندار و... هم بسان مرجع تقلید و امام جماعت و... دارای عدالت اخلاقی و بینشی بوده تا بتوانند چارچوب نظام و حرکت آن را بر محور عدل همه جانبه اخلاقی، اقتصادی، سیاسی رهنمون شوند.

2-5 ملازمه نظام امامت عدل و رسیدن به عدالت همه جانبه

ممکن است چنین توهم غلطی در بسیاری از اذهان باشد که وزیر و وکیل و... چه لزومی دارد که دارای عدالت اخلاقی و ارزشی باشند او که امام جماعت و مرجع تقلید نیست، همین قدر که کار خویش را بدرستی انجام دهد کفایت می کند! به دیگر سخن اینکه کارگزاری صالح برای کار است که قوانین را مو به مو اجرا کند حال فاسق باشد یا عادل. فرقی نمی کند و به حرکت نظام به سوی اهداف الهی خویش ضربه ای وارد نمی کند! بطلان این فرضیه ظاهر الصلاح با اندکی تامل و هم نگاه به تجربه طولانی تاریخی واضح می شود. مخروط امامت به سان پیکری است که با بودن یک میکروب در درون آن دیگر اعضا هم مصون نخواهند ماند و به آرامی کل سیستم به سوی فساد میل خواهد کرد که نتیجه آن تصویب قوانین فاسد و ظالمانه یا مغایر با اهداف اصلی نظام و یا اخذ تصمیمات از روی هواپرستی و منافع شخصی و حزبی و... خواهد بود که حرکت کل نظام را به سوی هدف اصلی کند یا منحرف می کند. شهید بهشتی، رحمة الله علیه، در این باره می فرماید:

در جامعه ای که قرار است مردم به سوی اصل جامع هدایت بشوند اداره کنندگان آن جامعه باید جامعه را بر محور عدل بگردانند و این در صورتی امکان دارد که مسؤولین خود عادل باشند. آیا عدالت آنها باید در حدی باشد که مقررات را مو به مو اجرا کنند؟ نه، مساله بالاتر از اجرای مقررات است؛ اگر در او تقوا و ایمان [عدل اخلاقی] نباشد، عملاً دیده خواهد شد که قسمتهایی از امور جامعه بر محور غیر عدل می گردد. (11)

3- تبیین

با بیان این مقدمات کلی اکنون به این مطلب می رسیم که اساساً در واقعه سال 61 هجری چه روی داد؟ به طور

کلی آنچنان که از مضامین روایات و زیارات ماثوره به دست می آید؛ کربلا تبلور ظلمی بزرگ بود که در مدت زمانی نه چندان دراز به نهایت رشد خود رسید و به شکل مصیبتی هولناک ظاهر گردید. آنچه در سقیفه رخ داد، انعقاد نطفه آن ظلم - یعنی انکار ربوبیت تشریعی خداوند و عوض کردن طرح و نقشه خداوند برای تدبیر آدم و عالم - بود که بعد از پیامبر خدا، صلی الله علیه وآله، از آن سخن رفته است. (12)

بر اساس قوانین و احکام الهی چنین خواسته شده بود که بعد از پیامبر خدا، صلی الله علیه وآله، اهل بیت آن حضرت در مسند حکومت قرار گیرند تا بر اساس «قانون عادلانه خداوند» و «با وجود معصومانه خویش» سیاست عباد کرده و جامعه را به سوی قسط و عدل همه جانبه سوق دهند تا در پرتو آن بندگان بتوانند به کمال بندگی خویش یعنی قرب الهی نایل آیند. اما توطئه سقیفه عملیاتی علیه این «طرح خداوندی» بود که در پی آن اهل بیت، علیهم السلام، از رتبه الهی خویش در عالم اثبات (13) (یعنی این دنیا) سلب شد و به جای امام عادل، کسانی دیگر بر مسند نشستند و لاجرم مخروط امامت عدل هم تشکیل نشد، بلکه در مخروط امامت فساد و جهال، بسیاری صاحب منصب شدند یعنی اکثر رانده شدگان از مدینه و حزب منحل اموی.

در زیارت شریف عاشورا می خوانیم:

لعن الله امة دفعتکم عن مقامکم و ازالکم عن مراتبکم التي رتبکم الله فیها...

با تشکیل این «مخروط امارت جور» واضح بود که حتی با وجود قرآن و تا اندازه ای سنت نبوی، کار جامعه بسوی عدل نگرایید و طولی نکشید که ظلم و جور، گسترش یافت. عدالت سیاسی نبوی جای خود را به حکومت فاشیستی اموی داد و قسط و عدل علوی جای خود را به کاخهای سبز و سرخ قاسطین بخشید. گرچه این ظلم عظیم همان روزها هم برای عده ای اندک تبلوری روشن داشت، اما کربلا عرصه تبلور جهانی و برهنه و عیان شدن این ظلم عظیم و فربه در دوره ای کوتاه اما بسیار درس آموز بود که به شکل مصیبتی جانگداز و ابدی و ماندگار تبلور یافت. در این عرصه عادلترین بلکه معصومترین بندگان خدا با وضعی عجیب زیر یوغ فاسدترین افراد به مذبختی و فاسقتترین و بدکارترین آنها به مسند امارت تکیه زد و مخروط امارت جور را تمکین و گسترش داد.

4- تکمیل

از بیانات گذشته به دست می آید که آنچه در روایات درباره انتقام امام عصر، ارواحنا فدا، از قاتلین اباعبدالله، علیه السلام، آمده است، (14) مراد از انتقام کشتن جانیان کربلا نیست که آنها را مختار ثقفی و امثال او کشتند و از آنها چیزی امروز باقی نمانده است تا کشته شوند. همانا انتقام او واژگونی مخروط امارت جور است که تا عصر ظهور به شکل عظیمی تنومند شده و عالم را گرفته است و نشانه آن هم پر شدن دنیا از ظلم و جور و فساد و تباهی است «ظهر الفساد و فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس» (15) که از نشانه های حتمی ظهور آن حضرت است.

از این رو خصوصیت اصلی «دولت کریمه» امام عصر، ارواحنا فدا، «تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله» (16) است. یعنی با قرار گرفتن امام عادل در راس «مخروط امامت جهانی عدل جامع» زیر مجموعه های این امام هم امام عادل خواهند بود و آنها اهل واقعی اسلامند و با این مخروط امامت است که با سریان عدل اخلاقی در پیکره آن و درک صحیح قانون الهی عدل جامع (قرآن) و عمل به آن، کار دنیا به سوی عدل و قسط ره خواهد پیمود و این نقطه جمع انتقام خون حسین، علیه السلام، و اقامه قسط و عدل توسط امام عصر، ارواحنا فدا، می باشد.

1. مهدی موعود، ترجمه بحارالانوار، ج 13، علی دوانی، ص 5؛ منتخب الاثر، آیه الله صافی گلپایگانی.
2. محاضرات فی الالهیات، آیه الله جعفر سبحانی، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، ص 566.
3. صحیفه المهدی، جواد قیومی اصفهانی، ص 218؛ مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی، دعای ندبه.
4. مهدی موعود، علی دوانی، ص 1100.
5. مقدمات این بحث با استفاده از سخنان حکیمانه استاد ارجمند شهید آیه الله بهشتی تنظیم شده است.
6. مقاله «عدالت در جامعه اسلامی»، شهید بهشتی، روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه 4/4/73، ص 13.
7. مقدمات آلی مقدماتی هستند که پس از رسیدن به هدف فاقد ارزش هستند مثل مقدمه بودن سنگ برای رد شدن از رودخانه که ارزش آن فقط برای رد شدن است و با رسیدن به آن سوی رودخانه دیگر برای ما ارزشی ندارد.
8. برای توضیح بیشتر ر. ک: وحی و نبوت، شهید مطهری، فصل هدف بعثتها.
9. مقاله «عدالت در جامعه اسلامی»، شهید بهشتی.
10. برای توضیح بیشتر ر. ک: مقاله «عدالت در جامعه اسلامی»، شهید بهشتی، و مقاله مکتب و تخصص از ایشان.
11. مقاله «عدالت در جامعه اسلامی»، شهید بهشتی.
12. برای نمونه ر. ک: زیارت عاشورا، مفاتیح الجنان.
13. توجه به این نکته مهم است که رتبه اهل بیت در عالم اثبات دفع شد نه در عالم ثبوت، چراکه آنها عندالله و در نفس الامر برترین بندگان خدا و هم والیان اویند اما در عرصه دنیا بسا که مقام آنها درک نشده و تا یک همشهری عادی در چشم مردمان تنزل یابند.
14. برای نمونه مرحوم کلینی در کتاب شریف اصول کافی، ج 2، ص 366-367، روایتی از امام صادق، علیه السلام، نقل می فرماید که: «چون کار حسین، علیه السلام، چنان شد که شد (اصحاب و جوانهایش کشته شدند و خودش تنها ماند) فرشتگان به سوی خداوند شیون و گریه برداشتند و گفتند: با حسین، علیه السلام، برگزیده و پسر پیغمبرت چنین رفتار کنند؟ پس خداوند شیخ و سایه حضرت قائم، علیه السلام، را به آنها نمود و فرمود با این انتقام او را می گیرم».
15. دعای عهد، مفاتیح الجنان؛ عبارت مزبور بخشی از آیه قرآن است که در این دعا آمده است.
16. دعای شریف افتتاح، صحیفه المهدی، جواد قیومی اصفهانی، ص 244؛ و هم مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی؛ ترجمه این فراز دعا چنین است: (خدایا ما مشتاق آن دولت کریمه ایم که) با آن اسلام و اهلش را عزت بخشیده و نفاق و اخلاص را ذلیل و خوار گردانی.